

۱۴۰۱/۰۷/۲۴

استاد علیدوست؛ نشست سوم سال دوم؛ فقه هنر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين

اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی آباءه فی هذه الساعة و فی کل ساعة وليا وحافظا و قائدا و ناصرا و دليلا و عينا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا

استثنائات غنا

شتر برای سیرش وقتی آواز می خوانید خیلی راحت سیر می کند

التغنی فی صوت الابل المسمى بالحدی

از نظر موقعیت فقهی بین فقها ، جماعتی استثنا کردند و جماعاتی مخالفت کردند. از نظر موقعیت شرعی ، که موقعیت خوبی دارد، جناب سکونی یک معتبره ای دارد، از امام صادق علیه السلام از رسول خدا که فرمودند : زاد المسافر الحداء و الشعر... توشه مسافر خداست؛ چون شترش راحت تر می رود و تا حد زیادی شتر سرگرم می شود ؛ از این لحاظ برخی جواز را خواستند که استفاده کنند. ولی این روایت موانعی را در پیش دارد. اولین مانع آن ، دو روایت است؛ از امام صادق علیه السلام که از آن منع استفاده می شود.

اما یستحیی احدکم ان یغنی علی دابته و هی تسبیح

آیا حیا نمی کنید یکی از شما ها که پشت دابه بخواند د رحالی که دابه تسبیح .... تسبیح خدا را می گوید...

چون می دانید بر اساس اعتقادات ما ، موجودات شعور دارند و تسبیح می کنند. تسبیح لله ما فی السماوات والارض ؛ آیه نمی گوید من فی السماوات والارض ؛ می گوید: ما فی السماوات والارض ...

کل قد علم صلاته و تسبیحه ؛

منتها بشر از بس خودخواه است اگر به چیزی نرسید آن را انکار می کند.

البته ممکن است تسبیح به معنای سیر باشد ؛ یعنی معنی حقیقی حدیث این می شود ؛ آیا حیا نمیکنند یکی از شماها در حالی که بر پشت شتر در حال آواز خوانی است و شتر هم سیر می کند؟!

امام صادق: إِضْرِبُوهَا عَلَى النَّقَارِ وَ لَا تُضْرِبُوهَا عَلَى الْعِئَارِ.

و لا تغنوا علی ... اما یستحیی احدکم ان یغنی علی ظهر الدابه و هی تسبیح ...؟

حال این جا می توان مواضع مختلف گرفت یکی این که حمل بر کراهت کنیم در مقابل جواز...

یکی دال بر منع

این دو روایت ، مخالف با عامه است و روایت سکونی موافق عامه است  
روایت موافق در تعارض با روایت مخالف کنار می رود.

خود سکونی هم سنی است و از قضات سنی است و احتمال این که امام علیه السلام از او تقیه کرده باشند ، هست.

برخی گفته اند: ان العرف لا يراه مطربا و عليه فالظاهر فانه خارج من مفهوم الغناء موضوعا و قد مال اليه صاحب الجواهر بل ربما ادعى ان الحدی قسمی للغنا بشهادة العرف و حينئذ يكون خارجا عن الموضوع (این خروج موضوعی دارد ولی ما نوشتیم این چه حرفی است که شما مدعی آن هستید؟)

فتوای فقها در این زمینه موسیقی بیشتر جنبه این داشته که احتیاط کنیم...

در مبحث آسیب شناسی رفتار فقها، در بحث غنا، چند آسیب بود: از جمله ابهام ، یکی بحث نگاه تنزیهی و تحذیری و احتیاط است ...

گفته می شود کراهات کمر بند ایمنی هست برای محرمات

### غنا در مرثی

اگر خواستید مرثی هم مرثی امام حسین علیه السلام حساب کنید.

چه کسی گفته در این مورد استثناء است و جایز است ؟ آقای نراقی

ملا احمد نراقی صاحب مستند ج ۱۴ از ص ۱۴۴ تا ص ۱۴۶

و مجمع الفائده اردبیلی

آقای نراقی گفته : .... اصل ... اصل عدم حرمت و اصل اباحه

این جریان وقتی به درد می خورد که دلیلی بر دو طرف نداشته باشیم .

این را چگونه حساب می کنید: عمل الناس في الاعصار والامصار من غير نكير....واعظان ، مداحان و شاعران می خواندند و کسی هم انکار نمی کرد.... شما اگر این را در قالب سیره متشرعه می برید؟

قول امام صادق علیه السلام: لمن انشد عنده مرثیه

امام به کسی که در نزد امام علیه السلام قرائتی داشت فرمود: اقراء کما عندکم....

و حضرت اشاره داشتند به رسمی در عراق ....

خود امام صادق هم سفری به عراق داشتند

این طیف از علما با این دیدگاهی که دارند غنا را خیلی موسع معنا میکنند.

آقای نراقی ده دوازده معنا برای غنا می آورد .

از جمله مواردی که برای غنا آوردند؛ این که کمک به حزن و غم می کند .

بانه معین علی البكاء و هو اعانة علی الخیر .....

اصل و عمل مردم و این قول امام صادق و همین که کمک برای کار خیر است....

این مطلب چند ان قلت دارد

برخی ها گفته اند جناب نراقی این حرفها چیست که میزنید؟

درست است که غنا ، اعانت بر بکاء هست اما بکاء بر چه کسی؟

باید دید آیا واقعا بکاء بر امام حسین است؟ چه بسا، کسی بکاء می کند اما به خاطر مشکلاتی است که برایش پیش آمده است.

انتقادی که می کنند این که چه بسا این گریه ها ریشه ای غیر بکاء بر امام حسین علیه السلام داشته باشد.

مهم این است که انسان از طریق یادآوری مصیبت های امام حسین علیه السلام گریه اش بگیرد نه این که صرفا کسی دشتی بخواند و انسان گریه کند.

از همه این ها مهم تر ، آن چه که ما ماموریم مرثیه از باب حلال است نه حرام ..

می گوید:

والقول بان المسلم اعانة الغنا علی مطلق البكاء اما كونه معینا علی البكاء علی الحسین فهو غیر مسلم و كونه خیرا ممنوع مع ان عموم رجحان علی الخیر و اطلاقه ولو بالحرام غیر ثابت .. بل الثابت عدمه .

اگر در روایات آمد ، آقایان شوهرها خرج خانم هایتان را بدهید . به این معنا که بروید کار کنید و خرجی آن ها را بدهید.. نه این که کسی بگوید من می خواستم هزینه های زن و بچه را بدهم دزدی کردم ... دادن نفقه واجب و دزدی حرام و.. لذا تعارضا ..

قاعده لا ضرر هم در اصل لا مفسده فی الاسلام است

آقای نراقی فرمود: غنا در مرثی اشکال ندارد.

نراقی می گوید: لیس مراد المستدل تجویز اعانة البر علی الحرام بل يمنع الحرمة حين كون الغنا معینا علی البكاء

منع می کند که در این صورت حرام باشد

استنادا الی تعارض عمومات حرمة الغنا با عمومات رجحان اعانت بر بر ... این ها تعارض می کنند .

پس این یک قانون است که واجبات و مستحبات باید انجام شود با اسباب حلال ...

از آن طرف هم بجهت تزاحم واجب و حرام که می رسد این جا آقایان میگویند باید ملاکات سنجیده شود اگر واجب اهم بود ، واجب اگر حرام اهم بود ترک شود... در مرحله استنباط هم می گویند تعارض .... سوال این است که در مانحن فیه از کدام قبیل است؟ آیا از قبیل اول است که بگوییم مراثنی بر امام حسین با اسباب حلال باشد . و اصلا نوبت نمی رسد به تعارض ادله مراثنی با ادله حرمت غنا ... یا تزاحم چون از اول ضیق ذاتی دارد .

ما یک عموماتی داریم استحباب گریه یا استحباب اعانت بر خیر

و یک عموماتی هم داریم حرمت غنا است... که بعد ما می گوییم که این ها تعارض می کنند، تساقط می کنند .... سوال می شود که این از مورد اول است یا دوم؟

آیا از قبیل ضیق ذاتی وانجام واجبات و مستحبات از راه حلال است یا از طریق دوم است که تعارض دارد؟ اگر دقت کنید نراقی این مورد را در باب تعارض می برد .

آن آقا می گفت: عموم رجحان اعانت بر خیر و عموم رجحان مصیبت بر امام حسین علیه السلام عموم این ادله و لو بالحرام غیر ثابت (ضیق ذاتی دارد) نراقی چه جواب می دهد؟

تعارض عمومات حرمت غنا مع عمومات الاعانة بالبر ... فیبقی محل تعارض علی مقتضی الاصل ...

این دورا باید از هم جدا کرد . باید دید کجا از قبیل قبلی است و کجا از قبیل دوم است....

این سوال را کار کنید برای جلسه آینده ...

این دورا کنار هم بگذارید که واجبات و مستحبات باید با اسباب حلال انجام شود نه با اسباب حرام ..

گاهی اوقات یک تعین ادله حرمت روی آن قرار میگیرد و چون گریه بر امام حسین هست و غنا معین بر این هست ادله استحباب بر آن حمل می شود ... این جا است که بساط تعارض را پهن می کنیم.

ادله عمومات واطلاقات بر بر ؛ که گریه بر امام حسین هم و لو در قالب غنا باشد اعانت بر بر است ....

ادله حرمت غنا ؛ ایشان می گوید که این ها با هم تعارض دارند.